

تحلیل برنامه‌های توسعه کشور

در بخش آموزش عالی (پس از انقلاب)

احمدرضا روشن *

سید مریم حسینی لرگانی **

فاطمه قائمی ***

چکیده

ایران یکی از پیشگامان امر برنامه‌ریزی توسعه در میان کشورهای در حال توسعه است. اولین برنامه توسعه در ایران به سال ۱۹۴۸ به اجراء در آمد و تاکنون نه برنامه توسعه (۵ برنامه قبل و ۴ برنامه بعد از انقلاب) طراحی شده و به اجراء در آمده است. در مجموع، اغلب صاحب‌نظران توسعه، عملکرد این برنامه‌ها را مثبت ارزیابی نمی‌کنند. در عصر دانایی که آموزش عالی و دانشگاه به عنوان محور عقلانیت جامعه قلمداد می‌شوند و مراکز آموزش عالی حکم مولد و یا ژنراتورهای تولید نیروی انسانی صلاحیت‌دار را دارند و سند چشم‌انداز بیست ساله نیز بر اهمیت علم و فناوری تأکید تام داشته است، بررسی برنامه‌های آموزش عالی و تشخیص عوامل مثبت و منفی آن ضرورتی اساسی است. به طور کلی عملکرد برنامه‌های توسعه کشور در بخش آموزش عالی پس از انقلاب نشان می‌دهد که موفقیت برنامه‌های توسعه این بخش، عمدتاً در زمینه اهداف کمی و نه کیفی است و در مجموع شاهد عدم ارتباط منطقی میان اهداف کلان و سیاست‌های اجرایی بوده‌ایم؛ به عبارت دیگر، در برنامه‌های مربوط به بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری تفاوت بسیاری میان تدوین برنامه و اجرای آن قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی، آموزش عالی، خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها، کانون‌های بحرانی، مدل مشتری‌مداری.

* عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

** عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

*** عضو هیئت علمی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

مقدمه

هر موقعیتی که برای مرور گذشته پیش می‌آید، در واقع فرصتی برای حصول به درکی بهتر از زمان حال نیز هست. شناخت و بازبینی گذشته این فایده را دارد که ما را وادار می‌سازد قدمی به عقب بگذاریم و حوادث حال حاضر را از چشم‌انداز دورتری نگاه کنیم. با این کار قادر می‌شویم فراسوی آشفتگی را دیده و به جست و جوی جریان‌های ژرف‌تر پردازیم. (رومر، ۱۳۷۲)

از سوی دیگر، توسعه آموزش و پرورش و آموزش عالی از منابع اصلی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورها به شمار می‌روند. دانش‌آموختگان دانشگاه، هدایت دولت و جامعه، تقویت فرهنگ، ابداع، نوآوری، مدیریت فناوری‌های نوین، صنعت و بازرگانی و امنیت ملی یک کشور را برعهده دارند. از این رو، برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بیش از هر چیز رشد و توسعه نیروی انسانی مدنظر بوده است. بدون شک، دولت‌ها در ایجاد زمینه‌های مناسب برای تربیت نیروی انسانی نقش مهمی ایفاء می‌کنند.

اگر دانش را یک نیروی اقتصادی بین‌المللی جدید در نظر بگیریم، آنگاه مؤسسات آموزش عالی نیز سرچشمه‌های قدرت در فرایند توسعه خواهند بود (صالحی، ۱۳۸۳)؛ بنابراین، برنامه‌ریزی برای آموزش عالی یکی از مهم‌ترین ابعاد برنامه‌ریزی توسعه است. در حالی که اولین دانشگاه ایران (دانشگاه تهران) در سال ۱۳۱۳ تأسیس شد، اما در آن زمان هنوز هیچ یک از نهادهای برنامه‌ریزی علمی در کشور به وجود نیامده بود. از این رو، می‌توان گفت آموزش عالی در ایران مثل سایر آموزش‌ها بدون نظام کلان و سیستماتیک برنامه‌ریزی آموزشی، آغاز شد. در مقاله حاضر، ضمن بررسی برنامه‌های بخش آموزش عالی در چهار برنامه توسعه پس از انقلاب، احکام و سیاست‌های هر یک از آنها استخراج و در پایان همراستا بودن یا نبودن برنامه‌های آموزش عالی و برنامه‌های کلان توسعه کشور و نیز آسیب‌شناسی برنامه‌های آموزش عالی به بحث گذاشته شده است.

مبانی نظری

برای مدت‌های به نسبت طولانی، برنامه‌ریزی ابزاری صد در صد ایدئولوژیک و متعلق

به نظام‌های معتقد به برنامه‌ریزی متمرکز تلقی می‌شد و نگاه علم اقتصاد سرمایه‌داری سنتی به مسئله برنامه‌ریزی، به طور کامل منفی بود. در چارچوب سنت‌های علمی آن زمان، از دیدگاه نظریه‌پردازان علم اقتصاد سرمایه‌داری ارتدکس، نظام اجتماعی یک پدیده طبیعی تلقی می‌شد که هر نوع دخالت در آن می‌توانست منشأ بروز خسارت‌های جبران ناپذیری شود (مؤمنی، ۱۳۷۴). از جمله آدام اسمیت پدر اقتصاد کلاسیک با مطرح کردن دست نامرئی، هرگونه دخالت خارج از بازار آزاد (به جز مواردی محدود) را در تخصیص منابع رد کرد و نظام بازار آزاد را بهترین تخصیص‌دهنده منابع محدود جامعه می‌دانست اما بازار رقابتی در کنار قابلیت‌ها و کارکردهای بسیاری که داشته است، از برخی جهات نیز ضعف‌ها و ناکارآمدی‌هایی از خود نشان داده است؛ برای مثال برخی جوامع دارای ویژگی‌هایی بودند که طیفی از نخبگان آن احساس کردند نیازها و اولویت‌های ملی را تحت شرایط ویژه‌ای که در جوامع آنان وجود دارد، نمی‌توانند فقط به دست نامرئی بازار بسپارند و به عرضه و تقاضای معمول موقوف کنند. این رویکرد به ویژه در فضایی از رشد ایدئولوژی مارکسیستی- سوسیالیستی به شکل‌گیری الگوی برنامه‌ریزی فراگیر و متمرکز انجامید. مخالفان نظام سرمایه‌داری معتقد بودند که در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، قانون‌های اقتصادی وجود و حضور خود را به مثابه نتایج پیش‌بینی‌نشده عمل نیروهای کور، تحمیل و تنفیذ می‌کنند. جامعه سوسیالیستی برخلاف آن، با تخصیص برنامه‌ای منابع تولید به بخش‌های گوناگون اقتصاد، بر امور اقتصادی، خودآگاهانه کنترل می‌ورزد و از این راه به هدف‌های از پیش تعیین شده خود دست می‌یابد (بری، ۱۳۶۳). ولادیمیر لنین پس از انقلاب اکتبر روسیه و در سال ۱۹۱۸، در مورد ابعاد کار برنامه‌ریزی اقتصادی آن کشور نوشت: انتقال تمام مکانیسم اقتصادی به یک ماشین بزرگ، به ارگانیکس اقتصادی به گونه‌ای که با یک برنامه، راهنمای صدها میلیون انسان باشد، این است مسئله سازمان بزرگی که بر شانه‌های ما قرار دارد. (همان)

البته «گری بکر» نخستین کسی بود که به این نکته اشاره کرد که عدم کفایت بازار، برای توجیه مداخله دولت کفایت نمی‌کند. در فقدان یک نظریه اثباتی در باره مفید بودن تصمیم‌گیری قدرت عمومی (دولت)، هیچ چیز تضمین نمی‌کند که اقدام قدرت

با استفاده از ابزار برنامه‌ریزی تخصیص، منابع را بهبود می‌بخشد (ساندمو، ۱۳۷۳). اما در عرصه آموزش عالی برنامه‌ریزی بسیار پیچیده و مشکل است. چگونه می‌توان برای پرسیدن، اندیشیدن، دانستن، آموختن، یادگرفتن، تحقیق کردن و کنش‌های مربوط به دانش و فناوری برنامه‌ریزی کرد. فرایندهای اندیشیدن و دانش فناوری، بسیار پیچیده، متنوع و نامعین و چه بسا ناآرام و بی‌قرار و خارج از انتظار هستند. قابلیت‌های حیات فکری و علمی و تخصصی، با محدودیت‌هایی که برنامه‌ریزی می‌تواند برای آن ایجاد کند، از بین می‌رود. زندگی علمی، پژوهشی، آموزشی و یادگیری همراه با تنوع رفتارها، انتظارات و توأم با خلاقیت‌ها و جرعه‌های غیرمنتظره و فوران‌های غیرقابل پیش‌بینی، شک‌ها و نقدهای غیرقابل مهار و کنترل‌ناپذیر است و به طور معمول مسیری خطی نمی‌پیماید و از زیر تعریف و تحدید می‌لغزد. برای همین است که برنامه‌ریزی برای دانش و فناوری، تنها می‌تواند در حد یک سیستم «باز» و «خودگردان و خودتنظیم»^۱ قابل درک و معنی‌دار باشد و یک محیط تعامل برای هماهنگی و راهبرد مشارکتی و به صورت فرایندی از تفکر و عقلانیت جمعی، تلاش مداوم برای رایزنی مسئله‌گشایی و توافق و حمایت تلقی شود و به صورت ترتیبی دانشگاه‌محور برای ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت برگزار شود و برای همین است که معمولاً برای برنامه‌ریزی آموزش عالی، به جای واژه‌های برنامه‌ریزی^۲، واژه توسعه^۳ به کار می‌رود و یا حداقل از کلمه توسعه، به عنوان پسوند ضروری برای برنامه‌ریزی استفاده می‌شود (برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، فراستخواه، ۱۳۸۱).

روش پژوهش

مقاله حاضر یک تحقیق توصیفی-تحلیلی است. این‌گونه تحقیقات نه تنها به توصیف و تشریح تمام یا یک بخش از واقعیات می‌پردازند، بلکه به توضیح و تبیین آن نیز اشاره و توجه دارند. مطالعات توصیفی، مطالعاتی را شامل می‌شوند که به دنبال هست‌ها هستند. یعنی قوانین

1. Self directional & Self regulative

2. Planning

3. Development

موجود در واقعیات و طبیعت را کشف می‌کنند. اجرای تحقیق توصیفی (غیرآزمایشی) می‌تواند فقط برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶). همچنین با روش تحلیل محتوا^۱ مهم‌ترین احکام قانونی در حوزه آموزش عالی در برنامه‌های توسعه اول (۷۲ - ۱۳۶۸)، دوم (۷۸ - ۱۳۷۳)، سوم (۸۳ - ۱۳۷۹) و چهارم (۸۸ - ۱۳۸۴) و میزان فراوانی هر کدام از سیاست‌ها در چهار برنامه مزبور استخراج، مقایسه و تحلیل شده است.

یافته‌ها

در مقاله حاضر، یافته‌های تحقیق در سه قسمت: ۱. خط‌مشی‌ها و سیاست‌های برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در بخش آموزش عالی. ۲. آسیب‌شناسی برنامه‌های آموزش عالی و ۳. مدل پیشنهادی برنامه‌ریزی مشتری‌مداری ارائه می‌شود.

خط‌مشی‌ها و سیاست‌های برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در بخش آموزش عالی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب در بخش آموزش عالی به طور نسبی شاهد عنایت و توجه برنامه‌ریزان به آموزش عالی بوده‌ایم که این توجه در برنامه چهارم به اوج خود می‌رسد (حسینی، ۱۳۸۷) اما طنزآمیز این است که همین نکته (یعنی توجه زیاد به بخش آموزش عالی در برنامه چهارم) موجب ناکارآمدی برنامه شده است، چرا که به دنبال تحقق اهداف بسیار بزرگ و متعالی در مدت زمان اندک بوده و در واقع به یک برنامه آرزویی تبدیل شده است.

با بررسی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه آموزش عالی پس از انقلاب در مجموع ۷۵ خط‌مشی و سیاست بخشی و سیاست اجرایی استخراج شد و فراوانی هر کدام در هر یک از برنامه‌ها به دست آمد. لازم به یادآوری است که در متن نهایی قانون برنامه‌های اول و دوم توسعه، اهداف کلی و خط‌مشی‌ها نیز در متن مصوب مجلس آورده شده بود و سیاست‌ها در قالب «تبصره‌های قانونی» مندرج بود؛ به عبارت دیگر، اهداف کلی و خط‌مشی‌ها نیز حکم قانون را داشته و تحقق آنها لازم‌الاجراء بود. ضمن آنکه، اهداف کمی (نظیر تعداد دانشجو) در قالب جداول متعدد به تفکیک سالانه در متن قانون مصوب

مجلس بود و اجرای آنها و دستیابی به آن اهداف در حکم الزام به اجرای قانون قلمداد می‌شد؛ در حالی که در متن نهایی برنامه‌های سوم و چهارم مصوب مجلس اولاً اهداف و خط‌مشی‌ها وجود ندارد، ثانیاً به جای «تبصره» با عبارت «ماده» قانونی مواجهیم و ثالثاً تا حد امکان، جداول کمی به حداقل رسیده است. بنابراین در جدول (۱) برخی از احکام مربوط به برنامه‌های اول و دوم ممکن است «خط‌مشی» برنامه در بخش آموزش عالی باشد و نه «تبصره». با این توضیحات به تحلیل جدول (۱) و میزان توجه برنامه‌های توسعه آموزش عالی پس از انقلاب به رویکردها و سیاست‌های مختلف می‌پردازیم.

در میان ۷۵ حکم استخراجی مرتبط با حوزه آموزش عالی از متن برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، با سه سیاست که در تمامی برنامه‌ها مشترک و در واقع، همگی در یک راستا بوده‌اند برمی‌خوریم: «گسترش کمی آموزش عالی»، «اجازه برگزاری دوره‌های آموزشی با اخذ شهریه در مراکز دولتی آموزش عالی» و «تنوع‌بخشی به آموزش عالی» و گسترش کمی آموزش عالی در مقطع تحصیلات تکمیلی. از آنجا که رویکرد اصلی آموزش عالی کشور پس از انقلاب، پاسخگویی به تقاضای اجتماعی فراینده برای آموزش عالی بوده است، طبیعی است، سیاست گسترش کمی آموزش عالی در اولویت سیاستگذاری این بخش واقع شود؛ به طوری که بخش دولتی و غیر دولتی، تمام هم و غم خود را بر گسترش کمی آموزش عالی متمرکز کردند تا بتوانند به تقاضای اجتماعی که ناشی از رشد جمعیت و نیز گرایش‌های اقتصادی و فرهنگی جامعه بود، پاسخ دهند. سیاست گسترش کمی در آموزش عالی در تمامی چهار برنامه لحاظ شده است؛ به ویژه در برنامه چهارم توسعه و اینک که در پایان برنامه چهارم قرار گرفتیم، می‌توان گفت بیش از ۳۰ درصد تحقق یافته و ما از هدف مندرج در برنامه چهارم نیز جلوتر هستیم.

به موازات این رویکرد، به بخش‌هایی از آموزش عالی دولتی (مانند دوره‌های شبانه، پیام نور و علمی - کاربردی) اجازه داده شد تا با اخذ شهریه، بخشی از هزینه‌های آموزشی را از دانشجویان مطالبه کنند و این سیاستی است که در تمامی چهار برنامه پس از انقلاب در بخش آموزش عالی شاهد آن بوده‌ایم. به همراه این سیاست‌ها، تنوع بخشی به آموزش عالی در تمامی برنامه‌های پس از انقلاب وجود داشته است. گسترش دوره‌های نوبت دوم (شبانه)، آموزش از راه دور (پیام نور)، مؤسسات آموزش عالی

غیرانتفاعی خصوصی و آموزش مجازی از جمله راهکارهای تنوع بخشی به آموزش عالی بوده است. ضمن اینکه در برخی برنامه‌ها ایجاد دوره‌های مشترک با دانشگاه‌های خارجی نیز پیشنهاد شد. گسترش کمی آموزش عالی در مقطع تحصیلات تکمیلی از جمله سیاست‌هایی بوده که در چهار برنامه مطرح شده و در برنامه چهارم به طور ویژه به اجراء درآمده است. به گونه‌ای که عمده‌ترین افزایش دوره تحصیلات تکمیلی به دانشگاه پیام نور اختصاص دارد (حسینی لرگانی، ۱۳۸۷: ۹). افزایش تحصیلات تکمیلی در طی سال‌های اخیر هم مربوط به دوره‌های کارشناسی ارشد، دکترای حرفه‌ای و دکترای تخصصی و هم شامل دوره‌های روزانه و شبانه در بخش‌های آموزش دولتی و غیردولتی می‌شود (حسینی لرگانی، ۱۳۸۷: ۳۰ - ۲۶).

پس از آن نوبت به احکامی می‌رسد که در سه برنامه توسعه به آنها اشاره شده است و شامل پنج حکم می‌شود: «همکاری آموزشی و علمی با دانشگاه‌های خارجی»، «افزایش ارتباط مراکز آموزش عالی با بخش‌های مختلف اقتصاد»، «گسترش کمی آموزش عالی در مقطع تحصیلات تکمیلی»، «افزایش سهم هزینه‌های تحقیقاتی از تولید ناخالص داخلی» و «حمایت از بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در ایجاد مراکز آموزش عالی».

همه این سیاست‌ها بسیار مهم و برای جهت‌گیری نظام آموزش عالی به سوی یک نظام کارآمد لازم است. گرچه به جز مورد «گسترش کمی آموزش عالی در مقطع تحصیلات تکمیلی» سایر مواردی که در سه برنامه بر آنها تأکید شده به طور کامل به اجراء در نیامده است.

می‌توان گفت هشت مورد بالا که در سه یا چهار برنامه آموزش عالی تکرار شده است جهت‌گیری‌های اصلی نظام آموزش عالی ایران پس از انقلاب را نشان می‌دهد و منعکس‌کننده خواست برنامه‌ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی است هر چند که بررسی علل عدم تحقق برخی از آنها به مجالی فراخ‌تر نیاز دارد.

با مرور مجموعه احکام و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مورد اشاره در برنامه‌های پنج ساله در می‌یابیم که هفت مورد در دو برنامه مورد تأکید قرار گرفته که از جمله می‌توان به «حمایت از سرمایه‌گذاری بخش غیر دولتی در فعالیت‌های پژوهشی و فناوری» و

«استفاده از اعضای هیئت علمی غیر ایرانی خارج از کشور» اشاره کرد که در عمل شاهد نتایج ملموسی در مورد آنها نبودیم.

سایر احکام، احکامی است که فقط در یکی از برنامه‌ها آورده شده است؛ البته این به معنای کم اهمیت بودن این سیاست‌ها نیست به عنوان مثال: «حمایت از برنامه‌های تحقیقاتی مشترک با کشورهای جهان» یا «استقرار نظام جامع حقوق مالکیت معنوی» یا «اعزام دانشجویان به خارج» و بسیاری موارد دیگر. چنان‌که گفته شد برنامه چهارم از لحاظ توجه به بخش آموزش عالی و محوریت آن برای سایر بخش‌های برنامه توسعه، سرآمد سه برنامه قبلی است اما به قدری خود را درگیر آرمان‌های بزرگ و سیاست‌های گسترده و سخت کرده است که انتظار نمی‌رود حتی به نیمی از اهداف و سیاست‌های تعیین شده دست یابد. از آن جمله می‌توان بدین مواد قانونی اشاره کرد: بازسازی راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی به منظور پاسخگویی مراکز علمی کشور به تقاضای اجتماعی در فضای رقابت فزاینده جهانی، (در سال اول برنامه، ماده ۴۳، بند الف)؛ بازنگری در ساختار فرایندهای تحقیقات و آموزش علوم انسانی به منظور ایجاد توانایی نظریه‌پردازی در سطح جهانی (در سال اول برنامه، ماده ۴۳، بند د)؛ تهیه برنامه جامع توسعه علمی و فناوری کشور در بخش‌های مختلف در طی سال اول برنامه (ماده ۴۳، بند الف) و ارتقاء توانمندی دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی (ماده ۵۰، بند ز) ساماندهی نظام پژوهش و فناوری کشور از طریق تعیین اولویت‌ها تا پایان سال اول برنامه (ماده ۴۶، بند ب) و بیمه قراردادهای پژوهشی ماده ۴۵، بند ج.

البته هر چند در بعضی از مواد قانونی که برای نخستین بار و تنها در برنامه چهارم توسعه مطرح شده، اقدامات شایان توجهی صورت گرفته، که حتی فراتر از اهداف مندرج در برنامه چهارم است. از جمله می‌توان به تولید و ارائه آمارهای ثبتی در آموزش عالی (ماده ۵۶)، ارزیابی مستمر دانشگاه‌ها و مراکز و مؤسسات آموزش عالی (ماده ۴۹، بند ج)، رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان اسلام، مالکیت حقوق معنوی (ماده ۴۵، بند الف)، بودجه‌ریزی عملیاتی در دانشگاه‌ها و تهیه نرم‌افزار و سیستم تعیین سرانه دانشجویی (ماده ۴۹، بند الف) و کار آفرینی و تولید ثروت در کشور در مواد قانونی ۴۸ بندهای الف و ج و غیره را نام برد (حسینی لرگانی، ۱۳۸۵).

جدول (۱) خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مندرج در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در بخش آموزش عالی

ردیف	خط‌مشی یا سیاست	برنامه اول (۱۳۶۸ - ۷۲)	برنامه دوم (۱۳۷۴ - ۷۸)	برنامه سوم (۱۳۷۹ - ۸۳)	برنامه چهارم (۱۳۸۴ - ۸۸)
۱	گسترش کمی آموزش عالی	*	*	*	*
۲	اجازه برگزاری دوره‌های آموزشی با اخذ شهریه در مراکز دولتی آموزش عالی	*	*	*	*
۳	تنوع بخشی به آموزش عالی	*	*	*	*
۴	همکاری آموزشی و علمی با دانشگاه‌های خارجی	*	*	-	*
۵	افزایش ارتباط مراکز آموزش عالی با بخش‌های مختلف اقتصاد	*	*	*	-
۶	گسترش کمی آموزش عالی در مقطع تحصیلات تکمیلی	*	*	*	*
۷	افزایش سهم هزینه‌های تحقیقاتی از تولید ناخالص داخلی	-	*	*	*
۸	حمایت از بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در ایجاد مراکز آموزش عالی	-	*	*	*
۹	حمایت از پژوهش‌های سفارشی دارای مقیاس	-	-	*	*
۱۰	حمایت و توجه به ایجاد قطب‌های علمی و تخصصی	*	-	*	-
۱۱	گسترش مراکز آموزش عالی در مناطق محروم کشور	*	*	-	-
۱۲	اعطای تسهیلات رفاهی به اعضای هیئت علمی	*	*	-	-
۱۳	حمایت و توجه به استعدادهای درخشان	*	*	*	*
۱۴	استفاده از اعضای هیئت علمی غیرایرانی خارج از کشور (با اولویت مسلمان بودن)	*	*	-	-
۱۵	حمایت از سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در فعالیت‌های پژوهشی و فناوری	-	-	*	*
۱۶	ارائه تسهیلات به دانشجویانی که برای تحصیل در مراکز آموزش عالی (اعم از دولتی و غیردولتی) شهریه می‌پردازند	-	-	*	*
۱۷	حمایت از برنامه‌های تحقیقاتی مشترک با کشورهای جهان	-	-	-	*

ادامهٔ جدول (۱) خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مندرج در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در

بخش آموزش عالی

ردیف	خط‌مشی یا سیاست	برنامهٔ اول (۱۳۶۸ - ۷۲)	برنامهٔ دوم (۱۳۷۴ - ۷۸)	برنامهٔ سوم (۱۳۷۹ - ۸۳)	برنامهٔ چهارم (۱۳۸۴ - ۸۸)
۱۸	بازنگری و تجدید نظر در قوانین و مقررات مربوط به مالکیت معنوی و طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی	-	-	-	*
۱۹	طراحی نظام جدید آموزش و پرورش و تدوین نظام آموزش عالی و فنی - حرفه‌ای متناسب با آن	*	-	-	-
۲۰	ارتقاء کیفی آموزش تحصیلات تکمیلی	*	-	-	-
۲۱	تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی	*	-	-	-
۲۲	مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی	*	-	-	-
۲۳	ایجاد سازمانی در زمینهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تمام سطوح تحصیلی (از دورهٔ راهنمایی تا آخرین مراحل تحصیلات دانشگاهی)	*	-	-	-
۲۴	به کارگیری فارغ‌التحصیلان ایرانی مؤسسات آموزش عالی خارج از کشور (که از ارزش دولتی استفاده کرده‌اند)	*	-	-	-
۲۵	ارائهٔ تسهیلات و حمایت از فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاه‌های خارج از کشور که مایل به خدمت در دانشگاه‌های داخل کشور هستند	*	-	-	-
۲۶	به کارگیری تحقیقات به عنوان ابزاری برای حل مشکلات کشور	-	*	-	-
۲۷	تقویت بنیهٔ علمی و تفکر نقادانه و تشویق به مطالعه و کتابخوانی	-	*	-	-
۲۶	ارتقای کیفی و تضمین کیفیت آموزش عالی کشور	-	*	-	*
۲۷	ایجاد نظام ارزشیابی و بازنگری و اصلاح و تکمیل برنامه‌های آموزشی	-	*	-	-
۲۸	افزایش سهم اعتبارات بخش‌های آموزش و پرورش، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی	-	*	-	-

ادامه جدول (۱) خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مندرج در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در
بخش آموزش عالی

ردیف	خط‌مشی یا سیاست	برنامه اول (۱۳۶۸ - ۷۲)	برنامه دوم (۱۳۷۴ - ۷۸)	برنامه سوم (۱۳۷۹ - ۸۳)	برنامه چهارم (۱۳۸۴ - ۸۸)
۲۹	حمایت از جذب متخصصان ایرانی خارج از کشور	-	*	-	-
۳۰	تقویت و گسترش آموزش‌های علمی اعتقادی دانشجویان و طلاب مسلمان خارجی در داخل کشور	-	*	-	-
۳۱	تغییر نظام برنامه‌ریزی متمرکز به سوی برنامه‌ریزی غیرمتمرکز در امور سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، اولویت‌بندی، اجراء و نظارت	-	*	-	-
۳۲	تهیه برنامه جامع تربیت نیروی انسانی در سطوح مختلف آموزش عالی	-	*	-	-
۳۴	عقد قراردادهای تحقیقاتی شرکت‌های دولتی با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	-	*	-	-
۳۵	اعزام دانشجو به خارج	-	*	-	-
۳۶	خرید تجهیزات لازم برای هیئت علمی	-	*	-	-
۳۷	اصلاح اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	-	-	*	-
۳۸	ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و شاهراه‌های اطلاعاتی لازم در فضای اینترنتی	-	-	*	-
۳۹	افزایش امکانات رفاهی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی	-	-	*	-
۴۰	سازماندهی نظام اعطای یارانه و هدایت کمک‌های دولت به سمت دانشجویان کم درآمد	-	-	*	-
۴۱	تقویت کمک‌های دولت به صندوق‌های رفاه	-	-	*	-
۴۲	آزادسازی وثائق دانشجویان بورسیه خارجی	-	-	-	*
۴۳	پذیرش دانشجوی خارجی برای تأمین بخشی از هزینه‌ها	-	-	-	*
۴۴	ایجاد دانشگاه‌های خصوصی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی به منظور ارتباطات علمی و بین‌المللی	-	-	-	*

ادامهٔ جدول (۱) خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مندرج در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در
بخش آموزش عالی

ردیف	خط‌مشی یا سیاست	برنامهٔ اول (۱۳۶۸ - ۷۲)	برنامهٔ دوم (۱۳۷۴ - ۷۸)	برنامهٔ سوم (۱۳۷۹ - ۸۳)	برنامهٔ چهارم (۱۳۸۴ - ۸۸)
۴۵	بازسازی سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی	-	-	-	*
۴۶	تهیه برنامه‌های جامع توسعه عملی و فناوری کشور	-	-	-	*
۴۷	بهره برداری حداکثر از ظرفیت‌های ملی و منطقه ای در حوزه فناوری‌های پیشرفته	-	-	-	*
۴۸	توانایی نظریه پردازی در حوزه علوم انسانی در سطح جهانی	-	-	-	*
۴۹	کسب سهم مناسب در بازار اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی	-	-	-	*
۵۰	برقراری امنیت در فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور در محیط‌های رایانه ای	-	-	-	*
۵۱	حمایت از ثبت جواز امتیاز علمی (Patent) در سطح ملی و بین‌المللی	-	-	-	*
۵۲	بیمه قراردادهای پژوهشی، فنی و فعالیت‌های تولیدی و خدماتی	-	-	-	*
۵۳	توسعه ساختارها و زیر بناهای لازم برای رشد فعالیت‌های دانایی‌محور در بخش دولتی و خصوصی به ویژه ایجاد و گسترش پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری	-	-	-	*
۵۴	حمایت از فعالیت‌های پژوهشی جهت ورود به بازارهای بین‌المللی	-	-	-	*
۵۵	ارزش‌گذاری و مبادلهٔ محصولات نامشهود دانایی‌محور	-	-	-	*
۵۶	طراحی و پیاده سازی نظام ملی نوآوری	-	-	-	*
۵۷	سامان‌دهی نظام پژوهش و فناوری کشور	-	-	-	*
۵۸	نوسازی شیوه‌های مدیریت بخش پژوهش	-	-	-	*
۵۹	استفاده از مزایای معافیت‌های مالیاتی مناطق آزاد در خصوص ایجاد پارک‌های علم و فناوری	-	-	-	*

ادامه جدول (۱) خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مندرج در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در بخش آموزش عالی

ردیف	خط‌مشی یا سیاست	برنامه اول (۷۲ - ۱۳۶۸)	برنامه دوم (۷۸ - ۱۳۷۴)	برنامه سوم (۸۳ - ۱۳۷۹)	برنامه چهارم (۸۸ - ۱۳۸۴)
۶۰	تشویق طرف‌های خارجی قرارداد بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی برای انتقال بخشی از فعالیت‌های تحقیق و توسعه به شرکت‌های داخلی	-	-	-	*
۶۱	ارتقای توانایی، خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی آموزش گیرندگان و ایجاد روحیه آموزش و پژوهش مستقل در میان نسل جوان	-	-	-	*
۶۲	هیئت امنایی اداره شدن دانشگاه‌ها بدون التزام رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری، مالی و استخدامی	-	-	-	*
۶۳	ارزیابی مستمر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی	-	-	-	*
۶۴	بازنگری در رشته‌های دانشگاهی بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات علمی	-	-	-	*
۶۵	ممنوعیت اعطای مدرک دانشگاهی بدون اخذ مجوز از وزارتخانه‌های علوم و بهداشت	-	-	-	*
۶۶	تشکیل شرکت‌های دولتی خدمات علمی تحقیقاتی در مراکز آموزش عالی دولتی	-	-	-	*
۶۷	تخصیص درصدی از اعتبارات هزینه‌ای برای دوره‌های آموزش ضمن خدمت دستگاه‌های اجرایی	-	-	-	*
۶۸	استمرار نظام کارآموزی و کارورزی، برای تمام آموزش‌های رسمی (متوسطه و عالی)، غیررسمی فنی و حرفه‌ای و علمی و کاربردی	-	-	-	*
۶۹	نوسازی و بازسازی ساختارها، امکانات و ارتقای کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و علمی - کاربردی	-	-	-	*
۷۰	تولید و ارائه آمارهای ثبتی آموزش عالی	-	-	-	*
۷۱	حمایت از پژوهش‌های علمی و بین رشته‌ای بر مبنای نیازهای اجتماعی	-	-	-	*
۷۲	برنامه جامع ارتقای ورزش و توسعه فضاهای ورزشی دانشجویی	-	-	-	*
۷۳	ایجاد شرکت‌های غیر دولتی توسعه فناوری	-	-	-	*
۷۴	اجرایی شدن بودجه‌ریزی عملیاتی (تخصیص بودجه بر اساس هزینه سرانه دانشجو)	-	-	-	*
۷۵	اصلاح و تجدید نظر در شرایط پذیرش دانشجو (کنکور)	-	-	-	*

آسیب شناسی برنامه‌های آموزش عالی

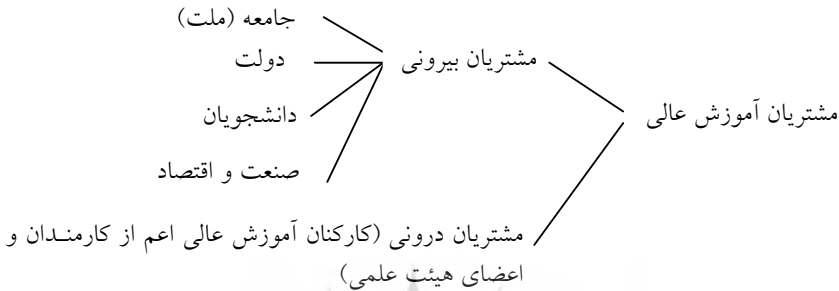
با توجه به مهم و حساس بودن برنامه‌ریزی برای حوزه علم و مهد علم یعنی دانشگاه، طبیعی است که تحولات مفهومی و روش‌شناسی برنامه‌ریزی، در دانشگاه‌ها و برای بخش آموزش عالی، با نمود بیشتری همراه باشد. اگر تا دهه ۵۰ قرن بیستم، می‌شد از برنامه‌ریزی خطی و کمی در دانشگاه‌ها (به صورت تعیین اهداف و نوشتن ساده مجموعه‌ای از فعالیت‌ها بر مبنای آن) سخن گفت، از دهه ۱۹۶۰ این نوع طرز تلقی، مفهوم خود را از دست داد؛ زیرا دانشگاه همچون سیستمی از یک سو، در تعامل با فراسیستم جامعه و سیستم‌های مجاور اقتصادی سیاسی فرهنگی و اجتماعی و از سوی دیگر در تعامل با خرده‌سیستم‌های درونی خود دیده می‌شد آکنده از محیط بود و برنامه‌ریزی برای آن به رویکرد پویای سیستمی و راهبردی نیاز داشت. وانگهی، سرنوشت دانشگاه، مستلزم الگوهای تعاملی و مشارکتی است (تسلیمی، ۱۳۸۳) اما رویکردی که به طور کلی بر نظام برنامه‌ریزی ایران به طور کلی و به تبع آن در حوزه آموزش عالی وجود داشته، نگاه خطی و کمی بوده است.

با اینکه از بعد از جنگ تحمیلی تاکنون چهار برنامه توسعه تنظیم و اجراء شده است ولی صرف‌نظر از ضعف‌های موجود در درون و بیرون این برنامه‌ها، اولاً بخش آموزش و به خصوص آموزش عالی در این برنامه‌ها از جایگاه کافی برخوردار نبود (به استثناء و ثانیاً برای دانشگاه‌ها و دانشگاهیان، در آغاز، هیچ‌گونه مشارکت و بعدها نیز، چندان مشارکت مؤثری در همه فرایندهای برنامه‌ریزی فراهم نمی‌آمد و ثالثاً تعدادی مراجع موازی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی (علاوه بر آن که همه آنها نیز در بیرون از دانشگاه‌ها قرار داشتند) آثار و پیامدهای خود را در نظام آموزش عالی کشور، برجای می‌گذاشت. این در حالی است که در فرایند برنامه‌ریزی آموزش عالی باید امکان تعامل خلاق و مشارکت مؤثر برای خود دانشگاه‌ها و دانشگاهیان (به صورت قانونمند، سیستماتیک و نهادینه و نه مشورت‌گیری‌ها و پیشنهادخواهی‌های غیر مؤثر و فاقد تضمین‌های لازم) فراهم باشد و آنها در همه مراحل فرایند برنامه‌ریزی (مانند تقریر مأموریت، تعیین اهداف، نیازسنجی، اولویت‌گذاری، شرح عملیات و بودجه‌بندی، ارزشیابی و تجدیدنظر و اصلاحات) حضور و تعامل داشته باشند. آحاد دانشگاهیان و نیز انجمن‌های علمی به عنوان اصلی‌ترین منابع

شناختی برنامه‌ریزی آموزش عالی، کمتر به حساب آورده شده‌اند و این بزرگترین خطای برنامه‌ریزی آموزش عالی در ایران بوده است (فراستخواه، ۱۳۸۱).

مدل پیشنهادی: برنامه‌ریزی مشتری‌مداری

رویکرد مشتری‌مداری^۱ در برنامه‌ریزی آموزش عالی



رویکرد مشتری‌مداری در برنامه‌ریزی آموزش عالی نوعی از روش مشارکتی و تعاملی در برنامه‌ریزی است.

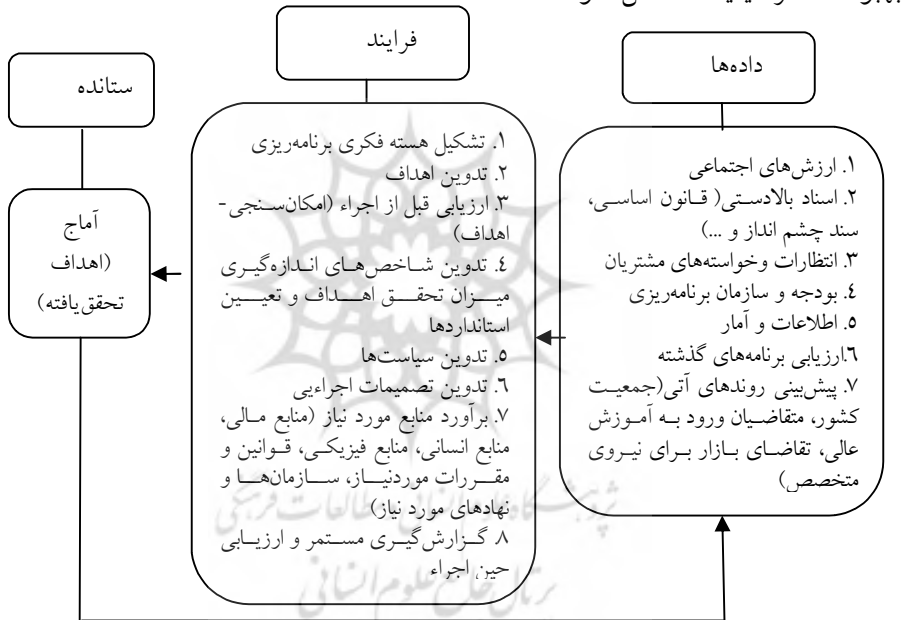
مشتریان کسانی هستند که هم آموزش عالی به عنوان یک بنگاه ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی به آنها نیاز دارد و هم مشتریان به خدمات آموزش عالی نیاز دارند. بنابراین، این نیاز یک رابطه دوسویه و یک منفعت متقابل است. در این رویکرد سه مرحله اصلی وجود دارد: اول شناسایی مشتریان (ذی‌نفعان) آموزش عالی، دوم شناسایی نیازها و انتظارات آنان از آموزش عالی و سوم تعیین راهکارهایی برای برآوردن نیازها و انتظارات آنان (روشن، ۱۳۸۷).

در برنامه‌ریزی مبتنی بر رویکرد مشتری‌مداری، برنامه‌ریزی بایستی بر محور انتظارات مشتریان (ذی‌نفعان) از آموزش عالی صورت گیرد:

- | | | |
|---|---|--------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> انتظارات جامعه ← تحقق اهداف توسعه کشور انتظارات دولت ← مستتر در قانون اساسی و سایر منابع رسمی انتظارات دانشجویان ← آموزش با کیفیت بالاتر انتظارات صنعت و اقتصاد ← برطرف کردن نیازهای بازار کار در حوزه آموزش و پژوهش | } | <p>۱. مشتریان بیرونی</p> |
|---|---|--------------------------|

۲. انتظارات مشتریان درونی - مدیریت علمی و ایجاد چارچوب انگیزشی مناسب برای رشد و شکوفایی کارکنان - اعمال حمایت‌های رفاهی و اقتصادی متناسب با شأن انسانی است .

مهم‌ترین وجوه رویکرد مشتری مداری: پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، حمایت، تسهیل‌گری، توانمندسازی، قدرت‌سپاری، نظارت و ارزیابی، حفاظت قضایی از حقوق مشتریان هدف این رویکرد این است که نیازها و خواسته‌های مشتریان و ذی‌نفعان آموزش عالی در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و ارائه خدمات لحاظ شود تا از رهگذر آن، بهبود مستمر کیفیت حاصل شود.



بازخورد (ارزیابی بعد از اجراء و بررسی میزان تطابق دستاوردها با انتظارات دانشجویان)

محیط (ارزش‌های اجتماعی - نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - رسانه‌های عمومی)

شکل (۱) نظام برنامه‌ریزی آموزش عالی با رویکرد مشتری مداری

هسته فکری برنامه‌ریزی با رویکرد مشتری مداری، مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی است

و باید حداقل شامل اعضای زیر باشد:

۱. کارشناسان دولتی (از وزارت علوم و سایر نهادهای دولتی عرضه‌کننده آموزش عالی)
۲. کارشناسان مستقل و یا منتقد
۳. نمایندگان بخش خصوصی آموزش عالی
۴. نمایندگان دانشجویان و یا شارمندان (شهروندان)
۵. نمایندگان انجمن‌های علمی
۶. نمایندگان هیئت علمی یا کارکنان دانشگاه‌ها
۷. نمایندگان رؤسای دانشگاه‌ها
۸. نمایندگان هیئت امنای دانشگاه‌ها
۹. نمایندگان صنعت و یا بازارکار
۱۰. نمایندگان بخش غیردولتی (از جمله دانشگاه آزاد)
۱۱. مشاوران خارجی متخصص در برنامه‌ریزی آموزش عالی

چرخه تدوین برنامه بر محور مشتری‌مداری:



نتیجه‌گیری

به طور کلی، می‌توان گفت تدوین‌کنندگان برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور نه توانسته‌اند موانع توسعه کشور را کامل و درست شناسایی کنند و نه، هدف‌گذاری‌ها را برای وضعیت مطلوب، درست انجام داده‌اند. یک علت این امر این است که در برنامه‌های توسعه کشور به بخش‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی با دیدی اقتصادی نگرینسته شده به طوری که تصور می‌شد اگر بودجه و ریال و ارز بیشتری به بخش‌های فرهنگی و اجتماعی تخصیص داده شود، مشکلات آنان حل می‌شود. به عنوان مثال، در حوزه آموزش عالی (آموزش به

طور کلی) بحران محتوای نظام‌های آموزشی که تا حدودی در همه کشورهای توسعه نیافته وجود دارد، به هیچ وجه دیده نشده است. گرچه برنامه‌های توسعه در کنار پسوندهای اقتصادی، پسوندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را نیز به همراه دارد اما همچنان در عمل منطق مسلط در برنامه‌ها منطق اقتصادی است (مؤمنی، ۱۳۷۴).

همچنین، چنان که دیدیم مفاد و سیاست‌های قانونی برنامه‌های توسعه بخش آموزش عالی نیز پر است از مواردی که به اجراء در نیامده و بیشتر انعکاس دهنده آمال برنامه‌ریزان است. در ایران معمولاً در برنامه‌ها به جای اهداف، آرزوها قرار گرفته‌اند. برنامه‌ریزی آرزویی فهرستی است از توقعات و خواسته‌ها. بسیاری از برنامه‌ها چنین‌اند. به خواب و خیال می‌مانند. برنامه‌ریز در عالم رؤیا تصویری از آینده می‌کشد که در آن خواسته‌ها و نیازهای همه برآورده می‌شود (فیوضات، ۱۳۵۶). گرچه هدف رشد کمی شاخص‌های آموزش عالی تا حدودی در برنامه‌های توسعه کشور پژوهش شده اما تعادلی بین توسعه کمی و کیفی آموزش عالی ایجاد نشده است و این موضوع مشخص نیست که این رشد چه رابطه‌ای با فرایند توسعه و به ویژه توسعه درونزای کشور دارد. ضمن اینکه شاخص‌های کمی آموزش عالی که ماهیت کیفی دارند نیز از رشد چندانی برخوردار نبوده‌اند (مانند افزایش نسبت هزینه‌های پژوهشی به تولید ناخالص داخلی و یا افزایش تعداد اعضای هیئت علمی).

برنامه‌ریزی نه دارای حسن ذاتی است و نه دارای قبح ذاتی، بلکه حسن و قبح آن در نحوه تدوین برنامه، ماهیت آن، نحوه اجراء، نحوه نظارت، ارزیابی و اصلاح آن مشخص می‌شود. شکست برنامه‌ریزی در بیشتر موارد در اثر بی‌توجهی به کیفیات طراحی برنامه است.

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد این است که امکان برآوردن توقعات مردم و کشور در کوتاه مدت وجود ندارد. طی برنامه‌های توسعه کشور از آغاز تاکنون، همواره برای دستیابی به هدف‌ها تعجیل شده است. در طراحی برنامه‌ها همواره بسیار سریع به جمع‌بندی شده اما در فرایند اجراء همیشه با انواع مشکلات و حوادث غیرمترقبه و پیش‌بینی نشده رو به رو شده‌اند. به هر میزانی که نسبت به مسائل آموزش عالی تا ریزینانه‌ترین سطوح ممکن توجه شود، به همان میزان، احتمال موفقیت‌آمیز بودن آن برنامه افزایش می‌یابد و به هر میزانی که در این حوزه غفلت صورت پذیرد، برنامه دچار ضعف و کاستی خواهد شد.

پیشنهادها

پیشنهادهای مربوط به مقاله حاضر حول سه محور سیاست‌های محتوایی برنامه‌های آموزش عالی، سیاست‌های چگونگی تدوین برنامه‌های آموزش عالی و سایر توصیه‌ها ارائه می‌شود:

الف) سیاست‌های محتوایی برنامه‌های آموزش عالی

- ❖ حرکت در مسیر کاهش تصدی گری و دخالت مستقیم دولت در آموزش عالی به موازات افزایش حمایت‌های قانونی و مالی از بخش خصوصی واقعی برای حضور در عرصه آموزش عالی (البته کاهش حجم دولت به معنای کاهش وظایف دولت نیست)؛
- ❖ ارجحیت دادن و غلبه یافتن رویکرد ژرفشی^۱ به جای رویکرد گسترشی^۲ و یا برتری دادن به گسترش کیفی آموزش عالی به جای گسترش کمی و یا تأکید بر آهنگ رشد بهینه^۳ به جای آهنگ رشد بیشینه^۴ در آموزش عالی؛
- ❖ تشویق و تقویت انجمن‌های مستقل علمی (دانشجویی، هیئت علمی و ...)
- ❖ در نظر گرفتن اقتضانات جهانی شدن علم و افزایش ارتباطات علمی بین‌المللی
- ❖ افزایش رقابت میان عرضه‌کنندگان مختلف آموزش عالی (اعم از بخش دولتی، بخش غیردولتی و بخش خصوصی)؛
- ❖ تأکید بر افزایش استقلال دانشگاه‌ها (همچون استمرار و نهادینه شدن بند الف ماده ۴۹ برنامه چهارم)؛
- ❖ ایجاد نظام ارزشیابی برنامه‌های آموزشی و روش‌های تدریس (در سطح خرد و کلان آموزش عالی)؛
- ❖ از سرگیری سیاست اعزام دانشجو به خارج در مقاطع تحصیلات تکمیلی؛
- ❖ رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی بر اساس استانداردها و شاخص‌های کیفی؛
- ❖ افزایش انواع حمایت‌ها و ارائه تسهیلات به اعضای هیئت علمی و احترام به شأن وجودی آنان؛
- ❖ ساماندهی نظام آمار و اطلاعات آموزش عالی کشور؛

1. Intensive Approach
2. Extensive Approach
3. Optimum
4. Maximum

❖ طراحی یک نظام انگیزشی مناسب برای جلب مشارکت‌های مردمی در آموزش عالی.

ب) سیاست‌های چگونگی تدوین برنامه‌های آموزش عالی

۱. پیوند برنامه‌های حوزه‌های مختلف نظام آموزشی (آموزش و پرورش، فنی- حرفه‌ای و آموزش عالی)؛
۲. لزوم ارزیابی قبل از اجرای برنامه‌ها (ex - ante evaluation)؛
۳. حضور عنصر گزارش‌گیری (Reporting) و ارزیابی مستمر، در همه مراحل برنامه‌ریزی (قبل از اجراء - حین اجراء - بعد از اجراء)؛
۴. گستردگی هسته فکری برنامه‌ریزی آموزش عالی با حضور ذی‌حقان، ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و ذی‌علاقگان (سانترالیسم دموکراتیک)؛
۵. محدود شدن اهداف هر زیربخش (آموزش، پژوهش و فناوری) به یک یا دو هدف؛
۶. طراحی یک برنامه جایگزین یا اضطراری برای تغییرات پیش‌بینی نشده و نیز طراحی یک برنامه ذخیره؛
۷. طراحی و تدوین اهداف و سیاست‌های مورد وثوق گروه‌های مختلف سیاسی برای ضربه نندیدن برنامه در اثر تغییرات سیاسی؛
۸. هماهنگی و سازگاری بین برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت؛
۹. همراهی و تناسب برنامه‌های سایر بخش‌ها با برنامه‌های بخش آموزش عالی (مثلاً سیاست خارجی متناسب با اقتضانات جهانی شدن علم، سیاست‌های اقتصادی نظیر کنترل تورم و سیاست‌های مشوق سرمایه‌گذاری در جهت ایجاد اشتغال دانش‌آموختگان، سیاست‌های کنترل جمعیت و...)
۱۰. ایجاد یک نظام و سیستم دقیق برنامه‌ریزی برای آموزش عالی به طوری که ارتباط وثیق، دقیق و منطقی بین مراحل هشتگانه برنامه‌ریزی به وجود آید (تهیه پیش‌نویس برنامه، تلفیق، تدوین پیش از تصویب، تصویب قانونی، اجراء، نظارت، ارزیابی و بازنگری)؛
۱۱. تعیین دقیق شاخص‌ها، نرم‌ها و استانداردهایی که بتوان مشخصاً میزان تحقق اهداف و سیاست‌های برنامه را اندازه‌گیری کرد؛
۱۲. تدوین بودجه سالانه بخش آموزش عالی منطبق با و در جهت برآورده کردن

اهداف برنامه پنجساله این بخش؛

۱۳. برآورد مشخص منابع مورد نیاز برای تحقق اهداف و اجرای سیاست‌های برنامه (نیروی انسانی، منابع مالی و فیزیکی، سازمان‌ها و قوانین و مقررات)؛
۱۴. تغییر نظام برنامه‌ریزی آموزش عالی از متمرکز به غیر متمرکز در امور تصمیم‌گیری، اجراء و نظارت و همچنین ایجاد یک گفتمان عمومی در باره سیاست‌های برنامه؛
۱۵. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری آموزش عالی در جهت تحقق اهداف توسعه‌ای کشور صورت گیرد که این منوط به مشخص شدن بند اول قسمت بعد است.

پ) سایر توصیه‌ها

- ❖ دستیابی به تعریف و درک مشترک از مفاهیم اساسی همچون برنامه‌ریزی، منافع ملی، نقش و سهم دولت، مفهوم توسعه و ... توسط مسئولان، برنامه‌ریزان و مردم؛
- ❖ تهیه برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله در بخش آموزش عالی در جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴؛
- ❖ لزوم ایجاد و تقویت سازمان‌های مستقل نظریه‌پردازی آموزش عالی؛
- ❖ اجرای یک طرح تحقیقاتی و تدوین یک الگوی «داده - ستانده» برای بخش آموزش عالی؛
- ❖ گزینش از میان دوگانه‌ها و سه‌گانه‌های راهبردی و تعیین تکلیف در مورد اولویت و اهمیت اهداف، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های بنیادی سه‌گانه‌های راهبردی نظیر: برنامه‌ریزی اجباری (مستقیم)، ارشادی (غیرمستقیم) و اطلاع‌رسانی، تعیین سهم بهینه بخش دولتی، غیردولتی و خصوصی، اولویت‌بندی بخش‌های آموزش ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی در کل نظام آموزشی، تعیین سهم بهینه و اولویت آموزش، پژوهش و فناوری در مجموعه نظام آموزش عالی؛
- ❖ دوگانه‌های راهبردی مانند: کوتاه مدت - بلند مدت، کمی - کیفی، برنامه‌ریزی جامع - برنامه‌ریزی با هدف‌های محدود، برونگرایی - درونگرایی دانشگاه، بین‌المللی - ملی، تمرکز - عدم تمرکز، ارزیابی دولتی - ارزیابی خصوصی، توده‌گرایی - نخبه‌گرایی، فناوری‌های سرمایه‌بر - تکنولوژی‌های کاربر.

منابع

- بری، ل، یا (۱۳۶۳). برنامه‌ریزی اقتصادی. ترجمه سیدحسن منصور، نشر نو.
- تسلیمی، محمدسعید و همکاران (۱۳۸۳). توصیف و تحلیل روند بخش آموزش عالی طی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه، طرح تحقیقاتی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- حسینی لرگانی، سیدمریم (۱۳۸۷). بررسی وضعیت گذشته و موجود بخش آموزش عالی و ارزیابی عملکرد برنامه چهارم - گزارش طرح تحقیقاتی. تهران، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- حسینی لرگانی، سیدمریم (۱۳۸۷). بررسی وضعیت عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای اهداف قانون برنامه چهارم توسعه - پروژه تحقیقاتی. تهران، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- روشن، احمدرضا (۱۳۸۷). تحلیل و بررسی برنامه‌های توسعه کشور در بخش آموزش عالی پس از انقلاب. تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- رومر، پل (۱۳۷۲). افکار و اشیاء، ترجمه بایزید مردوخی، گزیده مسایل اقتصادی، اجتماعی، بهمن و اسفند ۱۳۷۲.
- ساندمو، آگنار (۱۳۷۳). گری بکر: علم اقتصاد، علم مجموع رفتارهای انسانی. مجله گزیده مسائل اقتصادی، اجتماعی، خرداد ۱۳۷۳.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگه.
- صالحی، ابراهیم (۱۳۸۳). دولت، ملت و آموزش عالی. دایره المعارف آموزش عالی. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی آموزش عالی در ایران، گزارش تحقیقاتی، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- فیوضات، یحیی (۱۳۵۶). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۷۴). کالبدشناسی یک برنامه توسعه. مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.